PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

گزارشی دربارهٔ بنیادهای تاریخی

ارتش خشایارشا

بقلم

محمد قلی اشتری

آغازهزارهٔ اول‌قبل از میلاد را بایدسالهای‌پراهمیتی درتاریخ جهان‌بطوراعم وملل‌آسیای‌غربی بطوراخص بحساب آورد. زیرا وقوع دو حادثهٔ بزرگ تاریخی را در این دوره میتوان ابتدای عصرجدیدی‌دانست. این‌دوواقعه یکی مهاجرت آریائی‌ها که شعبه‌ای از نژاد هند و آریائی بودند بداخل‌فلات‌پهناوروم‌راتع سر سبز و بکر ایران و هندوستان،[1] ودیگری استعمال روز افزون آهن در میان اقوام ساکن خاورمیانه وآسیای غربی بود. نیمهٔ‌اول هزارهٔ اول پیش‌از میلاد را میتوان در تاریخ بشر مرحله‌ای قاطع بحساب آورد زیرا دراین‌عصرمرکز ثقل‌تمدن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ــ تفصیل این مهاجرت را اکثرمستشرقین‌ومورخین نگاشته‌اند. مثلا رجوع کنید به «ایران ازآغاز تا اسلام» نوشته ر. گیرشمن ترجمهٔ دکترمعین» و« تاریخ ملل‌شرق و یونان» نوشته آلبرماله و ژول ایزاك ترجمهٔ عبدالحسین هژیر و «ایران باستان» نوشته مشیرالدوله تقریباً همه این مورخین مبداء آریائی ها را نواحی قفقاز ذکر کرده‌اند ولی با تحقیقات جدید باستانشناسی گویا باید درصحت‌این‌عقیده شك کرد، زیرا دلایل نسبتاً متقنی بدست‌آمده‌که برطبق آن مبداء آریائیها وحرکت تمدن را ازنواحی شرقی ایران ذکر کرده‌اند.

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

و سیاست جهانی ازدلتای نیل وجلگه‌های بین‌النهرین به دامنه‌های زاگروس منتقل‌شد، واین‌مناطق‌مرکز اصلی مبارزه برای کسب قدرت گردید .

گروهی‌از اقوام مهاجر آریائی که متوجه نواحی‌غربی‌ایران‌شده‌بودند، در حوالی کردستان و آذربایجان کنونی ساکن شدند که دامنهٔ نفوذ آنان تاحدود ری و خراسان وگرگان کشیده شد. این‌طایفه‌همان‌قوم‌ماداست که هرودت طوایف‌اصلی آنها را چنین ذکر کرده است: « .... عده طوایف مادی شش است: بوس‌ها ، پارتاگنها، ستروخاتها، آری‌سانت‌ها ، بودی‌ها ومغها » [۲] مادها قومی صلح جو و آرامش طلب بودند که باگله‌داری و کشاورزی روزگار میگذراندند و هنوز صاحب هیچ نوع تشکل اجتماعی‌نشده ونظام بدوی‌قبیله‌ای،باتمام‌ویژگیهای‌آن، درمیان‌آنان،حکمفرمابود.اماخوشبختانه آنان در همسایگی یکی از متجاوزترین و زورگوترین و جنگجوترین کشورهای‌دنیای آن‌روزگاریعنی‌آشوریهاقرارداشتند.(خوشبختانه‌ازاین‌نظر که‌همین همسایگی باهمه ویرانیها و اسارتهائی که برای‌مادیها همراه داشت، بشرحی که خواهدآمد، بزرگترین نقش را در تبدیل مادیها ازقومی ساده و کشاورز بیکی از بزرگترین قدرتهای دنیای قدیمی بازی کرد .)

سرزمین‌ایران بعلت‌دارا بودن‌معادن‌سرشار آهن‌ومس ولاجورد، وازسوی دیگر بسبب وجود دشتها ومراتع وجلگه‌های سرسبز و حاصلخیز وهمچنین پرورش‌بهترین نژاداسب‌درآن‌سخت‌موردتوجه‌حکومت‌جنگجووتوسعه طلب آشوربود. البته‌دولت‌آشوردلایل‌کافی‌سیاسی ونظامی‌نیزبرای‌هجوم به‌همسایه شرقی خویش‌داشت، زیرا قدرت گرفتن قوم تازه نفس ماد از هیچ نظربصلاح

۲ــ تاریخ هرودت ــ کتاب۱ــ بند۱۰۱ــ و نیزنگاه کنیدبه « ایران‌باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم» تألیف‌حسن‌پیرنیامشیرالدوله ــ چاپ‌اول ــ شرکت‌مطبوعات ــ جلد۱ــ ص۱۷۵

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

وصرفه آن نبود. بهمین دلیل قوم‌مادردرابتدای اسکان خویش‌مرتباً باحملات مداوم ووحشیانه آشوریان‌روبرومی‌شدوپادشاهان‌آشورمکرراً در کتیبه‌های خویش شرح غارتها و کشتارهای خود را داده‌اند «معمولا سفرهای جنگی آشوریان (به‌سرزمین ماد) مهاجماتی بشهرها بود . برای اسیر گرفتن افراد، غارت کردن ، سوختن ، اخذ ذخایرفلزی یا احجارنیمه قیمتی وحمل اسبان وچارپایان . سکنهٔ این نواحی برای‌نجات خود به کوههاپناه میبردند وپس ازبازگشت سپاهیان آشوری، بمساکن‌خودبرمیگشتند [اما] آشوریان فاتح ، بندرت بنتایجی که منشیان آنها ادعا کرده‌اند رسیده‌اند تقریباً همیشه‌آنان باندازه‌کافی نیرو درمیان اقوام مغلوب باقی میگذاشتند تا پس‌از مدت کوتاهی‌بتوانندمحاربه‌راآغاز کنند.» [۳]

بنیاد تاریخی یك ارتش قدرتمند

مهاجمات‌آشوریان قرنها طول کشید وقوم ماد تا مدتها این اسارت و غارت‌و کشتاروبردگی راتحمل کرد. امابررسی تاریخ‌جهان نشان می‌دهد که ملتها همیشه تا حد بخصوصی می‌توانند تجاوزرا تحمل کنند و دیر یا زود درشرایط خاص تاریخی، بپامی‌خیزند وبانیروئی خرد کننده و ویران کننده زنجیرهای بردگی را پاره میکنند ، بعبارت‌بهتر هرگزنمیتوان ملتی رابرای همیشه در زبونی وناتوانی نگهداشت. تاریخ جهان درادوارمختلف زندگی بشر، نمایش‌گراین انقلابات اصیل ملی است، بتدریج باگذشت زمان اقوام ماد بیشتربفکرایستادگی ومحاربه بامتجاوزین‌آشور افتادند وبدین ترتیب

۳ـ « ایران از آغازتااسلام » تألیف ر. گیرشمن ـ ترجمه دکترمحمد معین‌ـ از انتشارات بنگاه ترجمه ونشرکتاب ـ ص ۸۶ ـ و نگاه کنیدبه«تاریخ ملل شرق‌ویونان» «اثرآلبرکاله وکورش نامه نوشته گزنفون .

PDF.Tarikhema.ir
PDF.Tarikhema.ir
PDF.Tarikhema.ir
PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

هستهٔ اولیهٔ نخستین سازمان ارتش درمیان این قوم‌آرامش طلب و کشاورز ریخته‌شد، بطوریکه باگذشت زمان دیگرهجوم به‌دامنه‌های زاگروس‌برای آشوریان‌آسان نبود، بخصوص که چنانکه ازنقشهای هنرمندان‌آشوری، که تقریباً همواره شاه‌خویش راسواربر گردونه درحال‌عبورازجاده‌های نظامی نشان داده‌اند ، استنباط میشود ، عمدهٔ قوای ضربتی‌آشوریان‌را ارابه‌های جنگی تشکیل می‌داد و این سلاح در جاده های ناهموار و دره‌های عمیق کوهستان زاگروس، تقریباًارزش جنگی خویش را ازدست میداد، بویژه که مادیها دارای اسبان‌تیزرو وسواران چابك بودند وچون هنوز قدرت مرکزی نیرومندی که آنانرا متشکل سازد نداشتند، بیشتر ازشیوه‌های جنگهای چریکی سود می‌جستند وبصورت سواران پراکنده ضربه‌های مهلکی‌بارتش منظم وسنگین‌اسلحه و کم‌تحرك آشور، واردآورده،بسرعت درمیان کوهها ناپدیدمی‌شدند ، این‌تاکتیك‌ارتش‌آشور رابه‌تجدیدسازمان نظامی واداشت‌و بدین ترتیب رستهٔ جدیدی درآن ارتش بنام سواره نظام‌پدیدآمد.[٤] پیدایش سواره نظام صحنهٔ جنگ را بکلی تغییر داد، زیرا از یك‌سو آشوریان امکان یافتند که تا اعماق ایران پیشرفت کنند، واز سوی‌دیگرمادیها را وادار نمود که بیش ازپیش بفکرتجهیزخود بیفتند و راه حلی اساسی برای دفع این متجاوزین بیابند.

٤ــ پروفسور گیرشمن مستشرق فرانسوی در کتاب خود(ایران ازآغاز تا اسلام) دراین مورد چنین مینویسد :

«پیش از سلطنت‌آشور نصیرپال (۸۸٤ــ۸٦۰ قبل‌ازمیلاد) سواره نظام هنوز در قشون آشوربکار نمیرفت. قوه ضربت‌زننده وی‌گردونه‌های جنگی بود... ایرانیان چند قرن پیش ازآنکه‌خود را مهیای محاربه با رومیان کنند و آنانرا مجبور به تکمیل سواره نظام سازند، در جنگهای خویش با آشور ، قوم اخیر را به پذیرفتن این تغییر ملزم نمودند.

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

یکی ار بزرگترین دلایل پیروزی آشوریان، عدم‌وحـدت بین طوایف ششگانه ماد و وجـود نوعی نظام ملوك الطوایفی بین‌آنان‌بود، و این خود فرصتی گرانبهابرای کشور گشائی شاهان آشوربحساب میآمد. مثلا شمشی[۵] پنجم پادشاه آشور که درسالهای ۸۱۰ تا ۸۲۳پیش‌ازمیلاد حکومت‌میکرده، دریکی از کتیبه‌های خود ، ازشکست یکی از رؤسای طوایف ایرانی « که ازمردم شمال دریاچه ارومیـه»بوده، با هزار و دویست تن جنگجویان وی ذکرمیکند. ازاین کتیبه‌چنین برمیآید که دراین دوران مادیها هنوز بشکل قبایل پراکنده میزیسته‌اند و معمولا هر طایفه قوای کمی ازسواره نظام که تعدادآنها بین دوتا سه‌هزارتن‌بودداشته‌اند. بطور کلی میتوان گفت که رقابت بین سران قبایل ماد وعدم تشکیل و وحدت قومی، بزرگترین‌عامل پیروزی آشوریان بحساب میآمده است.

دیاا کویا دیو کس بگفته هرودت نخستین کسی است که کوشش‌پی گیر و همه‌جانبه‌ای را جهت متحد کردن طوایف ماد بعمل‌آورده است وی کـه هنوز درخویش‌قدرت مقابله با آشوریان را نمی‌دید تمام هم خود رامصروف آن کرد که از نفرات پراکندهٔ امرای مختلف‌مادی، ارتشی‌نسبتاً یکنواخت ومتحد گرد آورد. حتی وی نام نخستین شهری را که بنیاد نهاد هگمتـانه یعنی محل‌اجتماع خوانده است.[۶]

« یکی ازنخستین‌کارهای دیو کس پس‌از انتخاب اوبشاهی این‌بود کـه قراولان ومستحفظینی‌برای خودترتیب‌داد وبعد مردم‌رابرآن‌داشت که‌شهری

۵ــ Shamshi (که در ترجمهٔ انگلیسی ایران ازآغاز تا اسلام «شمشی ادد پنجم» ذکرشده)

۶ــ ن . ك به‌ایران باستان‌مشیرالدوله ص ۱۷۷

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

تأسیس کند.»[۷] درحقیقت تمام دوره طولانی حکومت دیوکس (بگفته هرودوت قریب ۵۳ سال) صرف برقراری اتحاد وتشکیل هسته اولیه ارتش ماد گردید بطوریکه وی تاپایان عمر باوجود کینهٔ شدیدی که از آشوریان داشت بخاطر حفظ ارتش جوان وتازه سازمان یافته خویش وجلوگیری ازانهدام کامل آن از حمله بدولت مزبور خودداری کرد ولی جنگ با آشور بصورت آرزوی دیرینهٔ برای مادیها درآمده بود وهمین خود بزرگترین محور وپایهٔ اساسی تشکیل آنان بحساب میآمد.

پس ازدیوکس پسرش فرورتیش[۸] بپادشاهی رسید او قبل ازهرچیز پارس راهم باتحاد کامل واداشت واین بقدرت نظامی وی پیش ازپیش افزود، گذشته از آن اوموفق شد که قوای چریکی مادرا کاملا بصورت ارتش منظم ونوین در آورد، ارتش ماد تابیش از فرورتیش بصورت قبیله‌ای اداره میشد بدین ترتیب که درهنگام جنگ قبایل ششگانه مادهریك سپاه وابسته بخودرا که مرکب از افراد مختلف نظامی آن روزگار یعنی پیاده نظام وسواره نظام وغیره بود بصورت

۷ــ ایران باستان مشیرالدوله ص ۱۷۷

۸ــ نام این پادشاه راهرودوت فراااورتیس یاد کرده ولی داریوش کبیر در کتیبهٔ بیستون اورا فرورتیش نوشته است اصولا درمورد تاریخ مادوپادشاهان آن بین مورخین قدیم اختلاف نظر شدید وغیر قابل تطبیق وجوددارد مثلا هرودوت نام پادشاهان مادرا چهارنفر بشرح زیر ودورهٔ حکومت آنان را ۱۵۰ سال یاد کرده: دیوکس ۵۳ سال فراااورتیس ۲۲، کیاکسار ٤۰ سال وآستیاگس ۳۵ سال. درحالیکه مورخ دیگر یونانی کتزیاس دورهٔ حکومت مادها را جمعاً ۳۱۵ سال و شاهان آنرا بدین ترتیب یاد کرده است: آرباکس ۲۸، ماناداکس ۵۰، سوسارمس ۲۸، آرتی کاس ۵۰ سال، آربیان ۲۲، آرته یس ٤۰، آرتی نس ۲۲، آستی بارامس ٤۰، آس پاراس یاآس تی گاس (آستیاگن؟) ۳۵، چنانکه پیداست بین گفته های این دومورخ اختلاف شدیداست. نولدکه معتقد میباشد که چون کتزیاس فهرست خویش رابا نظراقوام ماد نوشته است آنان بعلت حساسیت قومی این چنین بتاریخ خویش افزوده‌اند.

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

نظامی میگردید. زیرانفرات فاقد هماهنگی وهمبستگی کافی بوده وبعلت عدم وجودستادفرماندهی هریك ازرؤسای قبایل برای سپاهیان تحت فرماندهی خود دستورات مجزا ومستقلی صادرمیکردند. امافرورتیش این سیستم رادرهم ریخت وسپاهی تخصصی ورسته‌ای بوجود آورد یعنی اینکه کلیه سواران وپیاده نظام را دررسته‌های متفاوت بارعایت یگان بندی وسلسله مراتب فرماندهی متمرکز ساخت وازرؤسای قبایل مادنوعی ستادفرماندهی مشترك تشکیل داده وخود نیز فرماندهی عالی ارتش رابعهده گرفت. وی مصمم شد که باچنین سپاهیانی بآرزوی دیرینهٔ مادجامه عمل بپوشد بهمین دلیل ازاطاعت آشورسرپیچی کرده وبجنگ اورفت باوجود شجاعت وجانفشانی کم نظیر سربازان ماد بعلت عدم ورزیدگی وبخصوص که آنان هنوز بااین تاکتیك جدید، یعنی جنگیدن افرادقبایل مختلف دوشادوش یکدیگر، آشنائی نداشتند، دراین لشکر کشی توفیقی نیافتند، بویژه که شاه شجاع وبلندپرواز مادخوددراین نبرد کشته شد، وازآنجا که کشته شدن فرمانده درارتشهای قدیم فاجعه‌ای جبران ناپذیر بحساب می‌آمد، ارتش ماد دچار پراکندگی وآشفتگی شده وپس از دادن تلفات سنگین عقب نشستند. دراین هنگام پادشاهی به‌هوخشتر[۹] رسید که‌وی رابایدیکی ازبزرگترین سیاست ـ مداران ونوابغ کم نظیر نظامی دنیای کهن دانست. او که باهمیت وارزش قدرت نظامی بعنوان عامل تعیین کننده و قطعی درسیاست جهانی پی برده بود، تمام تلاش خویش رامصروف اصلاحات ارتش کرد. ازمیان سواره نظام خود

۹ هرودوت نام این پادشاه را کوآکسار (کیاکزار) یادکرده است ولی داریوش کبیر درکتیبهٔ بیستون نام اوراهوخشتر نوشته واین بحقیقت نزدیکتراست.

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

گروهی کمانداران و تیراندازان ورزیده برای نخستین بار تشکیل داد واز آنجا که اسبان مادی در سرعت واستقامت و زیبائی دردنیان آن‌روزگار مشهوربودند، پس‌ازمدتی تمرین موفق شدنیرومندترین‌سواره‌نظام‌جهان رادر آن‌ایام‌بوجودآورد. مادی‌هازره‌های‌خوب ومستحکمی‌میساختند. اولین‌قومی که‌اسب‌به‌گردونه‌بسته ودربارکشی ودرجنگ‌ازآن‌استفاده کردند، مادی‌ها بودند(این گردونه‌هاچیزی‌ورای‌ارابه‌های‌آشوربودندزیرابسیاربزرگ‌بوده‌و حتی درحمل‌ونقل نیروها وباروبنه از آنها سودمی‌جستند). استفاده ازنفت درجنگ رانیز به‌این‌قوم نسبت داده‌اند آنان‌نوك پیکانهای‌خویش رابه کهنه آلوده‌به‌نفت، مجهز کرده وآنانرا بنوعی‌مشعل‌مشتعل تبدیل میکردندوبمدد این سلاح دراندك‌مدتی سراسر اردو گاه دشمن‌رابه‌آتش می کشیدند. بعدها یونانیان ازاین ابتکارمادیها سودجسته ونوعی مشعلهای بزرگ نفتی‌ساختند که‌بوسیله کمان‌یاگردونه بسوی دشمن‌پرتاب‌میشد. [۱۰]

بدین ترتیب مادیها یك رسته آتش انداز که تقریباً نقش توپخانهٔ امروز رابازی میکرد، تشکیل دادند که رعب ووحشت‌فراوان دردل دشمنان بخصوص‌آشوریها ایجاد میکرد.

هرودوت دربارهٔ این اسلحه گفته‌است که ایرانی‌ها تیرهای بزرگ مخصوصی راباروغن سیاهی که زود مشتعل‌می‌شد،آلوده نموده ونوك‌آنرا آتش‌میزدند، وباکمان بطرف دشمن‌پرتاب می کردند که حتی باآب‌هم‌آتش‌آنان خاموش نمی‌شد. پیداست که منظور هرودوت همان «آتش‌مادی» بوده‌است که ماده اصلی‌آن نفت‌سیاه بودوبوسیله گردونه یاکمانهائی که توسط دستگاهی اهرم

۱۰ـ ر.ك به‌مجله «مهنامه ارتش» سال ٤٦ ـ شماره ۱۰ ـ مقاله «سیری درتاریخ شاهنشاهی ایران ـ سرزمین‌ماد ومادها» ـ نوشته ستوان‌یکم مجید کاتب

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

مانند کشیده می‌شد ومیتوانست تیرهائی به‌اندازه نیزه، ویامشعلهای بزرگ فروزان راتامسافتهای طولانی برساند، پرتاب میکردند .

هوخشترازتجربه‌تلخ‌جنگ‌باآشوریهاوشکست‌ومرگ پدرش،میدانست بزرگترین‌عامل شکست همانا وجود سپاهیان چریکی ماد بوده که هرگز ازعهده نبرد با جنگجویان ورزیده وقدرتمند آشوربرنخواهندآمد،به این دلیل‌بود که درآغازحکومت،تقریبا تمامی توجه خود رابه‌تشکیل‌یك‌ارتش منظم وتربیت‌آنان معطوف کردوارتشی‌مجهز،به‌سبك قشون‌آشورترتیب داد. این ارتش رسته‌های‌پیاده نظام وسوارنظام وتیراندازان و کمانداران وآتش اندازان‌ونیزه داران‌ومسئولین‌آذوقه وغیره داشت که دارای‌بهترین نفرات و سلاحهای آن‌روزگار بودند . سوارنظام ماد تیراندازان ماهری بودند که : «. . . از کودکی‌به‌اسب سواری، تیراندازی وقیقاج زدن،مانند سواران‌پارتی چند قرن بعد، عادت کرده بودند . اسبهای مادی درقدیم معروف آفاق بود ، بخصوص اسبهای نسا (نیسایه) که‌ازحیث‌قشنگی ، تند روی وبردباری‌مانند نداشتند . . . »[۱۱] بطورخلاصه سازمان واسلحه‌ارتش‌مادی در زمان هوخشتر بدین قراربود : سربازان به دو دسته بزرگ و مجزای سواره نظام و پیاده نظام ، تقسیم میشدند . کوچکترین واحد پیاده نظام وی به گفته گزنفون دسته‌های پنج نفری بودند که تحت فرماندهی یك سرجوخه قرارداشتند و هردو دسته پنج‌نفری یك، جوخه ده نفری راتشکیل میدادند وترتیب‌سلسله مراتب بصورت دسته‌های صد نفری ، هزارنفری وده هزارنفری بود . اسلحه آنان را سپری از نی، که بسیار محکم ساخته‌شده بود، (جنس سپر را برای سبکی ازنی انتخاب میکردند) نیزه‌ای بلند و شمشیری سنگین و برنده و

۱۱ــ «ایران باستان» نوشته مشیرالدوله ــ جلد اول ــ ص۱۸۱

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

خنجرو گرز تشکیل میدادو نفرات پیاده نظام کلیه قسمتهای حساس بدن خویش را بازره‌های آهنی و کلاه‌خودفولادی میپوشاندند. سلاح اصلی سواره نظام را تیر و کمان تشکیل میدادو شمشیر، زوبین ،(نیزه های کوتاه) زره‌سراسر برای خودو اسبانشان(برگستوان) نیزداشتند . نیرومندی ارتش ماد بیشترمدیون انضباط سخت‌ودوران طولانی تربیت سربازان بود : « . . . به‌سربازان‌ساده توجه مینمود که اطاعت ازمافوق وتحمل وجسارت وبردباری وانضباط راشعارخودسازند. آنها را به رموزفنی‌سربازی، آشنا میکرد و نگهداری و مراقبت ازسلاح و آمادگی وپختگی را سفارش مینمود . بسرجوخه ها فرمان میداد که‌خودرا بمانند سربازان آماده وچابك نمایند وپنج نفری را که تحت فرمان خویش دارند،[مرتباً]بیازمایند، بسردسته های ده نفری نظم وانضباط وبسردسته‌های صد نفری وهزارنفری توصیه میکرد که ازفنون‌ورموزکارخود ،آگاهی تمام حاصل کنند. بالاخره سر کردگان ورؤسا را، بمأموریت خطیرشان آشنا میساخت . مقررداشت که پیوسته مراقب حال خود وزیردستان‌خویش باشند وهمان رفتاری را که زیردستان باید نسبت‌به‌آنان معمول‌دارند، خودنسبت بمافوق رعایت کنند.»[۱۲]

گزنفون.شرح مبسوطی راجع بتربیت کودکان وجوانان مادی وپارسی نوشته است که ذکرپاره‌ای‌ازآن. ضروری‌بنظرمیرسد. برطبق گفته او آنان کودکان خویش را ازسنین‌طفولیت وآغازبلوغ وجوانی وا میداشتند که‌در اطراف بناهای دولتی زندگی کنند و«... این‌سنت، بدینجهت مجری‌میشد که

۱۲ــ «کورش‌نامه» ــ نوشته گزنفون ــ ترجمه مهندس رضا مشایخی ــ از انتشارات بنگاه ترجمه ونشر کتاب ــ ص۵۸

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

هم بناهای دولتی را حراست نمایند وهم به‌اعتدال‌مزاج خوبگیرند ....» [۱۳]

شکارحیوانات نیزیکی‌ازمهمترین واساسی‌ترین‌ارکان تربیت جوانان را تشکیل میداد،زیرا درواقع صرفنظر ازلذت ، این‌کارتمرینی مهم ودقیق‌برای جنگ بحساب می‌آمد. هرگاه که شاه بعزم شکاربیرون میرفت (واین واقعه چندین‌بار درماه اتفاق می‌افتاد) اکثراین جوانانرا در التزام رکاب خویش میبردوآنان بایستی: «..... کمان وترکشی پرتیر، درکمرخود وشمشیری‌در غلاف (و؟) خنجری داشته باشند. علاوه براین ، سپری از نی ودونیزه باخود برمیداشتند که یکی را پرتاب کنند ودیگری را درصورت ضرورت بدست گیرند..»[۱٤] برای‌شاهان ماد،شکارتقریباً بمنزله‌یك‌جنگ‌بود، حتی‌همراهان خود را آرایش‌جنگی‌میدادند ودقت‌کامل داشتند که کلیهٔ جوانان وظایف خود را با دقت ومهارت‌کافی‌انجام دهند،بدینمنظورآنان را عادت‌میدادند که «..... صبح زود ازخواب برخیزند ، ازتحمل گرما وسرما هراسی به دل راه ندهند ، بـه پیاده روی عادت کنند ، دراسب سواری صاحب مهارت بـاشند ، برگرده اسب تیراندازی نمایند ودرپرتاپ نیزه درحین تاخت جلد و چالاك باشند.»[۱۵] ازآن گذشته ازآنجا که غالباً آنان درمقابل حیوانات درنده و خشمگین و وحشتزده قرار می گرفتند،شجاع وموقع شناس وحاضرالذهن و دقیق بار می‌آمدند. عادت می کردنددرموقعیتهای دشوار خودرا نبازند ودر کوتاهترین مدت بهترین تصمیم را بگیرند . گروه دیگری کـه درشهرهـا

۱۳ـ کورش نامه ص۷

۱٤ـ همان کتاب ص ۷

۱۵ ـ همان کتاب ـ همان صفحه

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

می‌ماندنـد تقریباً سراسر روز را به تمرینـات مداوم از قبیل تیراندازی و شمشیربازی ونیزه پرانی می گذراندند وحتی با استفاده ازحس رقابت بین جوانان،مسابقات متعددی برای آنان ترتیب می‌دادنـد . «گاهی از اوقـات [این مسابقه‌ها] درملاء عام به‌نمایش گذارده می‌شود وجوایزی بین برندگان مسابقه، توزیع می‌نمایند . قبیله‌ای که دربین افراد خود بیشترازاین جوانان ممتاز درعلـم و چابکی ومهارت و رشادت واطاعت داراست ، مورد ستایش و تمجید اقران‌قرارمی گیرد.... این‌جوانان درصورت ضرورت ازطرف بزرگان شهر مأمور حفاظت [شهر] و کشف بدکاران ، تعقیب دزدان و این قبیل امور که محتاج به چابکی ونیرومندی است می‌شوند.»[١٦]

این‌پادشاه که جلوس وی‌بتخت،مقارن بازمانی بود که مادیهاازآشوریان شکستی فاحش خورده وامیدآنان برای رسیدن باستقلال‌کامل به یأس‌مبدل شده بود ، باوجود این مشکلات از پای ننشست و بالاخره توانست پایتخت آشور رامحاصره نماید وحتی باوجودآنکه کشورش در بحبوبه جنگ بـا هجوم وحشیانه‌سکاها روبرو شدولی این قوم‌سلحشور وتازه‌نفس‌را از ایران راند وحتی نینوا، پایتخت‌آشور را بتصرف درآورد.باتصرف قسمت اعظم از قلمروحکومت‌آشور،حدود دولت ماد را به‌رود هالیس (قزل‌ایرماق) رسانید وآنرا بزرگترین دولت‌آسیائی کرد .

ولی‌متأسفانه سرنوشتی که تقریباً تمامی‌فاتحین‌جهان بدان‌دچارمیشوند، دولت ماد رانیزازپای درآورد . مادیها پس‌ازآنکه بمدد ارتش سازمان‌یافته ونیرومند خودامپراطوری‌عظیمی راتشکیل دادند، براساس این‌حکم کلی که «قدرت فساد می‌آورد»،درسراشیبی سقوط وانحطاط غلطیدند .

١٦ - کورش نامه - ص٨

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

درزمان آژدی‌هاك آخرین پادشاه‌مادی،دربارماد کپیه‌دربار آشورشده بود ، قصورعالی‌وباشکوه،باغهاوشکار گاههای‌وسیع،پیشخدمت‌ها و خادمان‌وغلامان و کنیزان متعدد با «لباسهای سرخ و ارغوانی» طوقها و کمربند های زرین، انواع بازیها ، تفریحات ، همه نوع وسایل عیش وعشرت ولهو ولعب،آنان‌را ازکارهای مملکتی غافل میکرد بویژه که ارتش‌ورزیده ونیرومند هوخشتر، دراثرسالهای طولانی بیکاری وعاطل وباطل ماندن‌تمامی‌تحرك وخصوصیات وارزشهای‌جنگی‌خویش را ازدست داد وآن‌سربازان چالاك‌وچابك‌وجنگجو، بمردان خوشگذران‌وبیحاصلی تبدیل‌شدند . بخصوص که دوران سقوط‌ماد، با قدرت گرفتن‌قومی‌تازه نفس وجوان که بعلت زندگی‌ساده کوهستانی‌خود مردانی‌خشن ومقاوم بارآمده بودند(پارسیها)همزمان‌شد وبهمین دلیل‌میبینیم که این پدیده عجیب تاریخی بوقوع پیوست یعنی مادیها ناگهان در اوج قدرت وشوکت خویش‌درمدتی بسیار کوتاه، بسراشیب زوال ونابودی سقوط کردند وبرادران لایق پارسی‌آنان‌براریکه‌قدرت تکیه زدند .

پارسی‌ها نیز مردمانی آریائی نژاد بودند که تاریخ دقیق ورود آنان بایران معلوم نیست ولی باحتمال قوی آنها نیزهمزمان بـا مادها، وارد این سرزمین‌شده‌بودند ونخستین‌باردر کتیبه‌های‌آشوری ذکراین قوم‌آمده‌است. تاقبل ازظهور کورش‌این‌طایفه بصورت یکی ازقبایل دست‌نشاندهٔ ماد زندگی میکردند اما کورش نه تنها اوضاع پارس بلکه تاریخ جهان را دگرگون ساخت .

بدون تردید کورش کبیر از هر نظر بـزرگترین و درخشانترین چهرهٔ دنیای کهن است نام‌بزرگش در کتیبه‌ها ونوشته‌های تمام ملل جهان،به‌نیکی آورده شده وحتی تنها انسانی است که بآن پایه از عظمت رسیده است که

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

یکی از کتب آسمانی (تورات) اورا منجی و نجات دهنده وحتی مسیح موعود خوانده است .

کورش، پس از آنکه توانست باقدرت فرماندهی ورهبری صحیح ازمردان ساده وروستائی پارس دلیرانی شجاع وبی‌باك وجهانگشا بسازد وبمدد آنان بسرعت امپراطوری ماد را به زانودرآورد، متوجه جهانگشائی شد. کشورهای لیدیه ، آسیای صغیر ، قسمتی ازیونان وبخشی ازسرزمین قبایل وحشی شرق ایران یکی پس از دیگری در مقابل نبوغ نظامی و تحرك و قدرت و جنگندگی ارتش وی، بزانو در آمدند و در مدت کوتاهی بزرگترین امپراطوری جهان گردید .

کورش درفنون نظامی وآرایش جنگی نیز نبوغ و روش حیرت آوری داشت. تصویری که گزنفون در «کورش‌نامه» خود ازیکی ازآرایشهای جنگی کورش بدست می‌دهد درنوع خودنمودار یکی ازعالی‌ترین طرق فرماندهی وآرایش جنگی وحرکت سپاه است و بخوبی نمایشگر قدرت ارتش کورش می‌باشد . اویکی ازفرامین کورش را که مشعر به چگونگی حرکت ارتش است، چنین نقل کرده است : «توای کریزانتاس بسمت فرمانده سپرداران منصوب می‌شوی وباید پیشاپیش‌ستونها حرکت کنی‌چون‌راه هموارو بازاست، باید صفوف ازجبهه‌حرکت کنند هر گروهان دریك‌صف باسرعت‌زیادحرکت کند . من مایلم سربازان سبك اسلحه پیشتازباشند . . . (آرتاباز) پیاده‌نظام وسواران پارسی را فرماندهی خواهد کرد و (هانداميباس) پیاده نظام‌مادسارا (امباس) فرمانده دسته‌های ارمنیان « آرت سوکاس » فرمانده هیرکانیان است.(تامبراداس) پیاده‌نظام ساسیها و«داتاماس»پیاده‌نظام‌کادوزی رافرماندهی خواهند کرد. همهٔ سپاهیان‌باید به‌نحوی حرکت کنند که پیاده‌نظام‌تیرانداز

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

در یك جبهه ، درصفوف مقدم باشند . کمانداران در جناح راست هرستون و وتیراندازان درجناحین ستونها . . . . پس‌ازپیشتازان، باید سربازان‌سنگین اسلحه راه‌پیمائی کنند. برفرماندهان دسته‌هاست که شب، کلیهٔ تجهیزات هر دسته را دریك محل ، قبل‌از اینکه باستراحت بپردازند ، بیانبازند وقبل از طلیعهٔ صبح، همه تجهیزات خودرا بردارند و قبل ازسرزدن آفتاب ، همه در صفوف‌خودبانظمی‌کامل حرکت کنند . متعاقب سنگین اسلحه‌ها، سواره‌نظام تحت فرماندهی «ماراتاسی» پارسی حرکت خواهند کرد . دررأس هریگان سوار،یك رسد،سوار خواهدبود وهمان‌آرایش راخواهندداشت که پیاده‌نظام در صفوف مقدم‌دارند . متعاقب صفوف مقدم سواره‌نظام، گروه مترا کم سوارها تحت‌فرماندهی«رامباکاس»مادی‌قرارخواهد گرفت. سپس‌نوبت‌سواره‌نظام‌توای (تیگران) خواهد بود. سپس سواره‌نظام‌کادوزی وسایس ، کادوزیان درصفوف آخر قرارخـواهند گرفت. باید همه افراد مهر سکوت برلب گذارند . شب‌هنگام هوشیار باشند. چه شب‌هنگام که چشمان سرباز قدرت دیدندارد‌باید گوش او مراقب باشد . مبادا هنگام شب نظم خودرا برهم زنید زیرا مرتب کردن صفوف ، شب‌هنگام بمراتب مشکل‌تر است از روز ، بدین لحاظ بهتر است آرایش‌جنگی خودرا شب‌نیز کم وبیش حفظ کنید وسکوت در همه‌جا حکمفرما باشد. قراولان وپاسداران شب بایدمتعدد وهوشیارباشند.پاسداران بایدآهسته حرکت کنند تا خواب سربازان بیجهت مختل‌نشود و استراحت کنند، چون صبح فرارسید شیپور آمـاده‌باش از هرسو طنین‌انداز شود ، هر سربازبمحض اینکه آهنگ شیپور را شنید باید باتجهیزات، بیدرنگ‌آمادهٔ حرکت شود . هدف ما برای‌سربازان دلیربابل است جملگی‌بآن‌سومتوجه باشید وبکوشید تاپرچم «پیروزی را برافرازید»[۱۷]

۱۷- کورش‌نامه ص ۱۸۷-۱۷۸

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

گذشته ازاین، وی درسازمان ارتش وتسلیحات آن نیزتغییرات بزرگی داد. مثلا دریك دسته که از پانصد ارابهٔ جنگی تشکیل میشد، پانصد مرد ورزیده‌وجنگی ، دوهزاررأس اسب‌وپانصد ارابه‌ران می‌بایستی از بین‌بهترین افراد انتخاب شوند واین عده نه‌تنها قدرت ضربه‌ای‌کافی نداشتند وعملا قادر نبودند که لطمهٔ مهلك ومؤثری بدشمن وارد سازند خود نیزهرآن درمعرض خطرنیستی و نابودی قرار داشتند بدین جهت کورش تصمیم گرفت که بکلی شکل‌وفرم‌وساختمان‌ارابه‌های‌جنگی‌راتغییرداده‌وآنان‌رابه‌نحوی‌آماده‌سازند کـه بتوانند بعنوان نیروی مؤثری در جنگها، وارد صحنهٔ مبارزه شونـد. «کورش» چرخهای (ارابه‌ها را) قوی‌ترومحکمتر ساخت تا درمیدان کارزار مقاومت بهتری داشته‌باشد و دیرتر از محورخود منحرف [شده] یا واژگون گردد یا بشکند ، طول محور را زیادتر کرد ، محل جلوس در ارابـه را از چوب ضخیم بمانند برجی ساخت تا راننده بهتر وباآزادی بیشتری اسبها را براند . ارابه‌ران دارای کلیهٔ سلاحهای لازم بود وفقط چشمانش‌آزاد بود تـا به‌راحتی به‌بیند . دردو انتهای محورچرخها دوقطعه آهن به‌شکل‌داس‌برنده قرارداد و در زیرآن قطعهٔ دیگری‌نصب کرد تا دستجات دشمن را به‌راحتی مضمحل سازد . این‌شکل ارابه هنوز در دسته‌های سپاهیان پادشاهان پارسی معمول است » [۱۸] دیگر ازاقدامات مهم وی تشکیل دستهٔ جمازه‌سوار بود او در جنگ با پادشاه لیدی برای نخستین بار ازآنان درکارزار سودجست‌زیرا ازآنجا که سواران کروزوس پادشاه لیدی در تمام دنیا در مهارت و چابکی مشهور بوده و لرزه براندام کلیهٔ دشمنان می‌انداختند کورش بـرای درهـم شکستن آنها ابتکار تازه وعجیبی بکار برد بدین ترتیب که گروهی جمازه

۱۸- کورش نامه نوشتهٔ گزنفون ص۲۰۸

وقف کتابخانه مدرسه فیضیه قم

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

سواران چابك تشکیل داد که در روز نبرد با شمشیرهای آخته فریاد کشان بسوی سواره نظام کروزس هجوم بردند اسبان سپاه لیدی که تا آنروز شتر ندیده بودند با دیدن هیکل‌عظیم و قیافهٔ عجیب شتران و فریادهای جمازه سواران رم کردند و سواران وحشت زده و دست و پاگم کرده و باین‌سو و آنسومیگریختندوبدین ترتیب کورش توانست بآسانی آنان‌را درهم‌شکسته وبافسانهٔ شکست ناپذیری سواره نظام لیدی پایان بخشند .

مطالب فوق روشنگر بسیاری از واقعیت‌ها است که مهمترین آنها اولا عظمت سپاه کورش است ، چنانکه خواهد ، آمد از چندین طایفه و ملت تشکیل یافته بود و دیگر رسته‌های منظم این سپاه است که بنظر میرسد کورش نظام سپاه‌هوخشتررا دگرگون ساخته‌باشد، زیرا می‌بینیم که مجدداً سپاهیان بصورت قبیله‌ای و قومی و به روشی کاملا نوین درآمده‌اند و نیز قدرت بی‌نظیرفرماندهی کورش را آشکار میسازد، زیرا رهبری چنان ارتش عظیمی که ترکیبی از ده‌ها ملت گوناگون باآداب ورسوم وزبان واسلحه و روش جنگی خاص خود در چنان جنگ بزرگی به‌نوعی که به‌پیروزی کامل بیانجامدکاری بس خطیر و دشوار است.

واقف کتابخانه مدرسه فیضیه قم

همین‌آراستگی‌نظامی بود که‌به کمبوجیه اجازهٔبزرگترین وعجیب‌ترین فتوحات دنیای قدیم را داد واو توانست بمدد یك چنین نیروئی دولت مصر را پس از سه هزار سال استقلال و سلطنت ۲۶ سلسله بزانو در آورد . اما متأسفانه بعلت اشتباهات فراوانی، منجمله دوری ممتد از ایران و کشتار بی‌رحمانهٔ نزدیکان و سرداران کشور و لشکرکشیهای بی‌حاصل در داخل

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

صحاری بیکران افریقا که قسمت اعظم قوای وی را تلف کرد [۱۹] هم کشور را دچار آشفتگی ساخت وهم لطمات سختی به‌ارتش‌خویش واردآوردبطوری که شاید اگر شخصیتی چون داریوش کبیر به‌سلطنت نمیرسید شاهنشاهی هخامنشی خیلی زودتر از حملهٔ اسکندر منقرض میشد.

داریوش هنگامی زمام مملکت را بدست گرفت که آشفتگی عجیبی در سراسر ایران حکمفرما بود و تقریباً، نتیجهٔ کلیهٔ زحمات کورش کبیر بباد رفته بود. بعلت آنکه گئوماتای مغ‌مردم را ازپرداخت مالیات ودادن سرباز معاف کرده بود. خزانهٔ دولت تهی و سازمان ارتش از هم پاشیده شده بود و اکثرولایات ایران سربه‌شورش برداشته‌ودعوی خودمختاری‌میکردند. قسمت اعظم اوایل سلطنت داریوش صرف سرکوبی این شورشها گردید.

تأثیر دوران شاهنشاهی داریوش از نظر نظامی

داریوش را باید بنیان گذار ارتش نوین ایران (دردوران کهن) بحساب آورد در زمان وی ایران مجدداً عظمت و شوکت عصر کورش را یافت و سپاهیان ایران هولناکترین قوای نظامی بشمار میآمد که تا آن روزگار جهان بچشم دیده بود. تمام‌آسیای غربی وقسمت مهمی ازآسیای مرکزی و مصر وقسمتی ازشمال‌آفریقا تحت فرمان حکومت ایران بود. مسلم است که چنین مملکت پهناور وسیعی احتیاج به‌چه نیروی نظامی مهمی دارد.

داریوش بازدیادنفرات ارتش وبه‌شکوه وقدرت‌آن اهمیت فراوان میداد تعدادسربازان‌ایران‌بقدری زیادونیرومندبود که هیچ حریفی راتوانائی‌مقابلهٔ باآن‌نبود. مهمترین رکن این ارتش وهستهٔ مرکزی‌آنرا گروه ده‌هزارنفری پیادگان جاویدان (یاپیاده‌نظام فناناپذیر) تشکیل‌میداد، درحقیقت داریوش

۱۹- منجمله کمبوجیه‌یکبار بخاطرفتح لیبی‌پنجاه‌هزارتن ازسربازان خودرا بسمت صحرای مخوف لیبی‌گسیل داشت‌که همگی درزیر ریگهای روان تلف شدند و بار دیگر ازگروه عظیمی ازلشگریانش‌را تحت فرماندهی خود روانهٔ صحرای بی‌آب وعلف نمود که اکثریت‌آنها ازتشنگی وکم‌بود خواربار تلف شدند.

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

نخستین کسی‌بود که درایران ارتش بمعنی‌حقیقی کلمه‌را بوجودآورد. تاقبل از وی ایران فاقد نظامیانی ثابت و ورزیده و همیشگی بود زیرا معمولا افراد ارتش را مردان داوطلب یا اجیر تشکیل میدادند اینان در زمان صلح بزراعت و کارهای شخصی میپرداختند و بمجرد پیش‌آمدن جنگی باصدور فرمان بسیج همگانی بصفوف ارتش فرا خوانده میشدند و نه تنها حقوقی دریافت نمیداشتند بلکه اکثراً موظف بودند که اسلحه و اسب و خوراك و علیق اسب خویش را شخصاً تهیه کنند و تنها احتمالا دراثر پیروزی وفتح از غنائم جنگی بهره‌مند میشدند وپیداست این روش چه اشکالات فراوانی ببار میآورد. مانند آماده نبودن سپاهیان ، وقت گیری بسیج عمومی ، همآهنگ نبودن اسلحه وتجهیزات‌سپاه، نداشتن‌انضباط وتعلیمات‌نظامی وتحرك کافی که هریك بنوبهٔ خود در متزلزل ساختن اساس و بنیان ارتش و روحیهٔ افراد و کاستن ارزش جنگی نفرات نقش مهمی داشت.

داریوش با رأی تیزبین و دوراندیش خود بخوبی این نقص بزرگ را دریافت وباکوشش پیگیری درصدد تشکیل یك‌سپاه منظم وهمیشگی‌برآمد که سپاهیان جاویدان حاصل این تلاشها بود.

سپاه جاویدان‌از ده‌هزارنفرتشکیل‌میشدوبدین علت‌این‌افرادرافناناپذیر میخواندند که هرگاه یکی ازآنان میمرد یامستعفی میشد و یابعللی اخراج میگردید، بلافاصله محل خالی وی ازمیان گروه‌بیشمار داوطلبان پرمیشد، زیرا از آنجاکه افراد این‌گروه ازمیان فرزندان نجبا انتخاب شده ودارای مقامی عالی بودند وگذشته از اینکه سخت مورد توجه شخص شاه بودند از امتیازات اجتماعی و اقتصادی خاصی برخوردارمیشدند . عضویت این نیرو، افتخاری بزرگ بحساب‌آمده وخدمت‌دراین سپاه بزرگترین آرزوی تمام

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

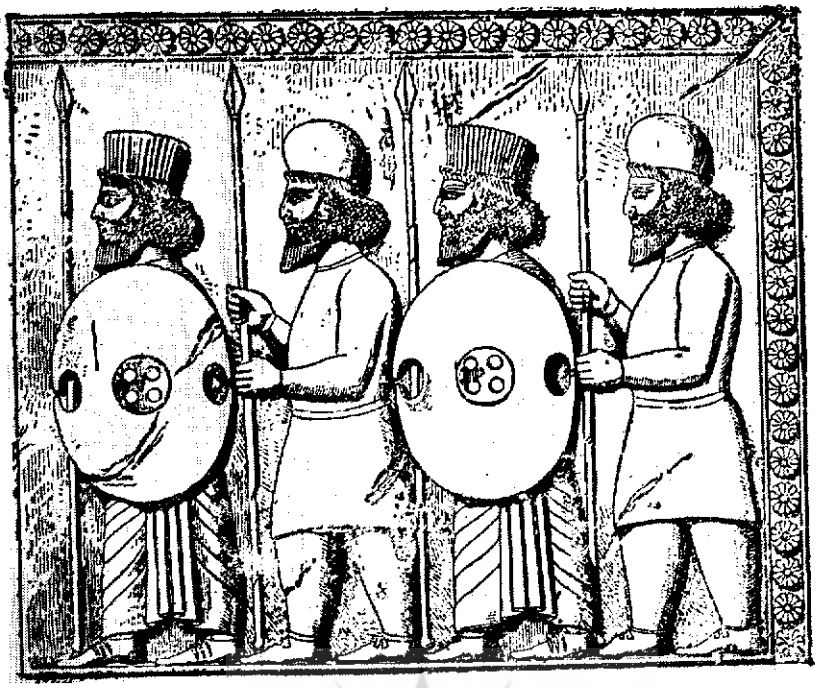

تصویری از پیاده نظام پارسی و مادی

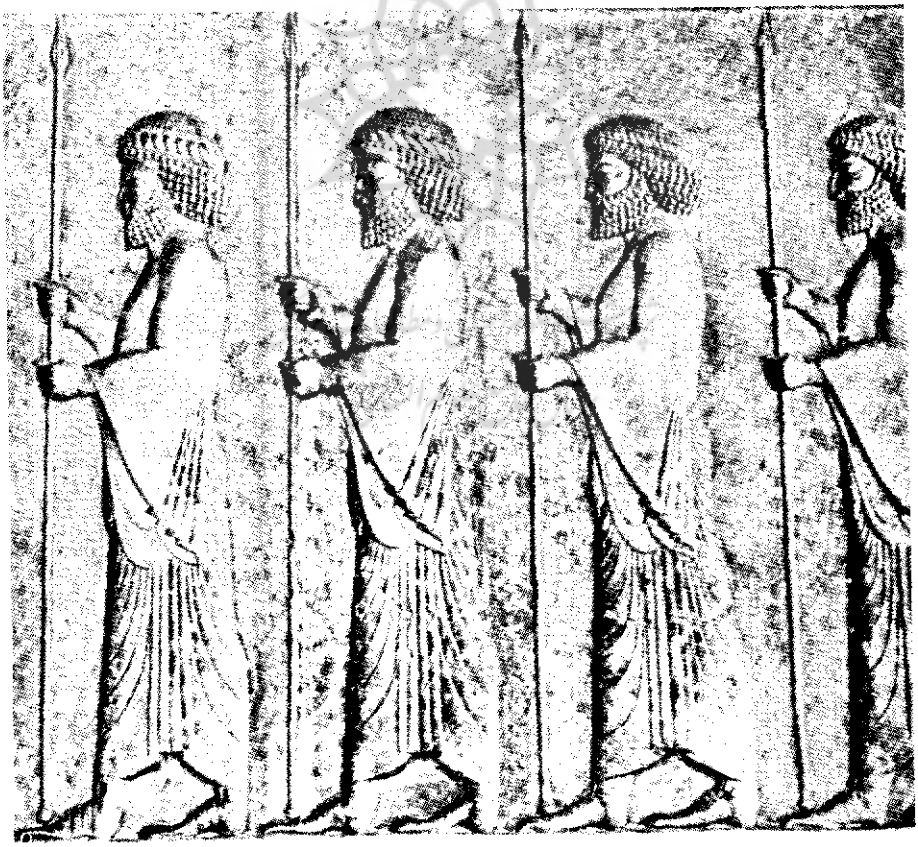

گروهی [illegible] جاویدان»

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

جوانان پارسی بود . داریوش برای افراد گارد جاویدان اسلحهٔ یك‌شکل و اسب وحقوق مکفی تعیین کرده ومقرر داشت که آنان‌جز بامور سپاهیگری وتمرینات نظامی مطلقاً به‌هیچ‌کاری دیگر دست نزنند و فرماندهی کلی‌آنرا نیز به‌رئیس یکی از هفت خانوادهٔ اصیل پارسی سپرد و بدین ترتیب نخستن ارتش منظم و حرفه‌ای ایران را با سازمانی دقیق و پیش‌بینی‌شده وهیأتی با شکوه بوجود آورد. افراد سپاه جاویدان که هستهٔ اصلی سپاه هخامنشی را تشکیل میدادند همیشه‌درآرایش‌جنگی‌درقلب سپاه قرارمیگرفتند وازآنجا که از زبده‌ترین جنگاوران دنیای قدیم‌بودند، قلب سپاه ایران را شکست‌ناپذیر میساختند. آنان همگی کلاههای پشمی برسر داشتند و قباهای بلند آستین‌دار ورنگارنگ میپوشیدند ، زرهی فلزی که بطرز بسیار زیبا و مستحکمی بافته شده بود وساق بندهای فولادی وسپرهای بزرگ چوبی که ببازو میآویختند، وسائل دفاعی‌آنان راتشکیل میداد . اسلحهٔ تهاجمی‌آنها را نیزه‌ای بلند و کمان وترکشی پرتیر و شمشیری کوتاه وپهن وسنگین و خنجر تشکیل میداد .

گذشته از سپاه جاویدان افواج بیشماری از کلیهٔ ملل تابع شاهنشاهی رسته‌های دیگر ارتش را تشکیل میدادند که آرایش جنگی آنها متفاوت بود، دربعضی جنگها افواج را بایکدیگر مخلوط کرده ودودسته اصلی پیاده وسواره نظام را بوجود میآوردند ، دراین صورت پیاده‌نظام مسلح به‌تیرونیزه وخنجر و کمان وفلاخن و کمند وسپروشمشیربود. افراد این‌دسته کلاه‌نمدی مدوری برسرمیگذاشتند و پیراهن چرمی بلندی دربرمیکردند که تازانوی آنها میرسید وآستین‌های بلند داشت. شلوار ایشان نیز از چرم بود و چون

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

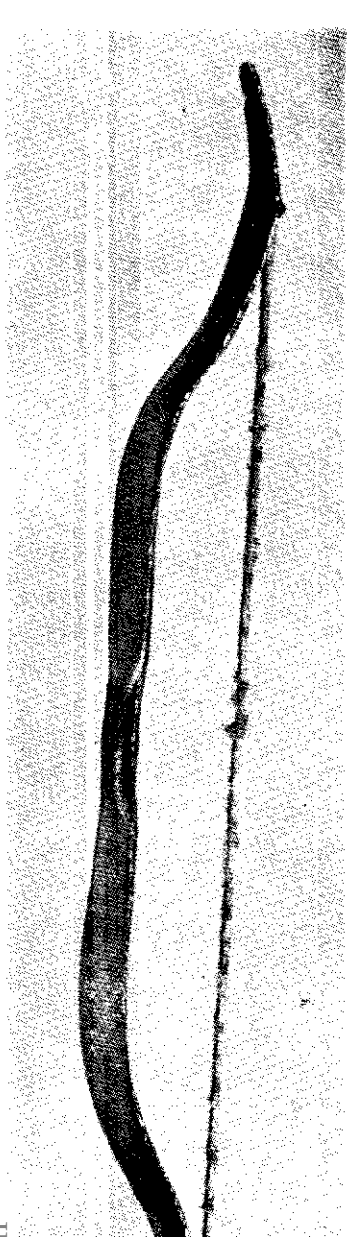

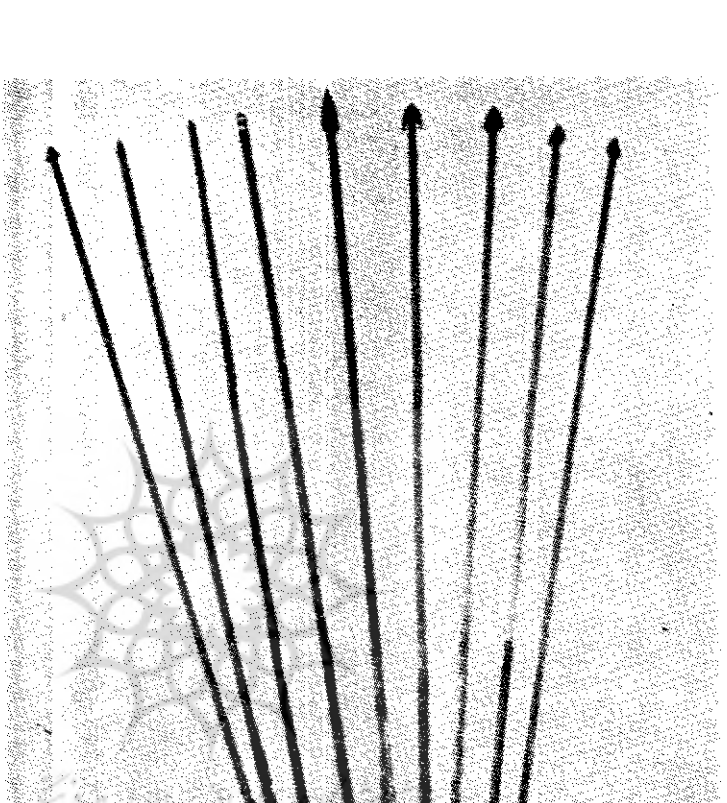

کمان و نمونه‌هائی از پیکانهای مختلف در دوره
ماد وهخامنشی – (تصویر ازکتاب زین ابزار – استاد پورداود)

PDF.Tarikhema.ir
PDF.Tarikhema.ir
PDF.Tarikhema.ir
PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

به‌ساق پا میرسید تنگ میشد و بساقهٔ کفش چرمی آنها منتهی میگشت . »[۲۰]
سوار نظام خود بدو دسته سبك اسلحه و سنگین تقسیم میشد ، سواران سبك اسلحه علاوه برسلاح پیاده‌نظام. زوبین کوچکی رانیز حمل‌میکردند. مهارت وچابکی آنان درسرعت وتحرك وقیقاج رفتن وتیراندازی بود . بهمین دلیل جنگ دردشتها و میدانهای وسیع برای آنان آسانتر بنظرمیآمد، وظیفهٔ اساسی سواران سبك‌اسلحه حمله وتهاجم بوده .

سواره نظام سنگین اسلحه:

قسمت دیگر از سواران ارتش هخامنشی را سواره نظام سنگین‌اسلحه تشکیل‌میداد، تقریباً سراپای آنان غرق درآهن‌وپولاد بود وازدور مانندیك دژ جنگی متحرك بنظر میآمدند. زره سراسری و کلاه خود وساق‌بندهای فولادین می‌پوشیدند و حتی اسبان خویش را نیز بوسیلهٔ زره مخصوصی (برگستوان) حفاظت‌میکردند.اسلحهٔ‌اصلی آنان‌نیزهٔ بلندوشمشیر وخنجر و گرز بود . بدیهی است که این سواران بعلت داشتن سلاح سنگین فاقد سرعت وتحرك کافی بودند، بهمین دلیل وظیفهٔ اصلی‌آنان دفاع وپشتیبانی از پیاده‌نظام بود. معمولا هنگامیکه فاصلهٔ بین‌نبرد های متخاصم کم‌میشدوکار بجنگ تن‌بتن میکشید وارد صحنهٔ نبردمیشدند وچون بعلت پوشش‌خوب‌از بیشتر ضربه‌ها در امان بودندا کثراً کشتار مهیبی‌براه می‌انداختند. اما عیب بزرگ آنان این‌بود که بسبب نداشتن سرعت‌کافی بخصوص اگر پشتیبانی سواره نظام سبك اسلحه رااز دست میدادند ارتباط آنها قطع‌شده‌وبمحاصره درمیآمدند.

۲۰- تاریخ دوهزاروپانصد ساله ایران- تألیف عباس پرویز جلد۱ ص ۱۲۳

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

گذشته ازاین نفرات،داریوش شاهنشاه بزرگ هخامنشی برای حفاظت سرزمینهای‌وسیعی که تصرف کرده بود تقریباً در تمام نقاط دور دست ایران ساخلوهائی نگهداری‌میکردودر کلیهٔ‌ساتراپهاپادگانهای‌نظامی‌بوجودآورده بود. افراد این پادگانها مستقیماً تحت فرمان فرماندهی بودند کـه داریوش خود ازپایتخت‌برگزیده وروانهٔ ایالات میکرد. مثلا درساخلوی مصربگفتهٔ هرودوت‌قریب۲٤۰ هزارسپاهی جنگجووجود داشته است.

اقدامات دیگر داریوش

یکی از بزرگترین کارهای داریوش در زمینه‌تشکیلاب نظامی، ساختن جاده‌های بزرگ وطولانی وپرارزش برای‌حمل‌ونقل بوده اوبخوبی به‌اهمیت حمل ونقل نیروهای خویش پی‌برده بود ومیدانست که برای حفظ امنیت و آرامش چنان سرزمین وسیعی محتاج بوجود راههای عریض و مناسب است که بتواند در هـر لحظه سپاه خویش را با سریعترین سرعت ممکن بمنطقه بروز خطربرساند. وی برای حفظ ارتباط بین مـراکز مختلف شاهنشاهی وپایتخت، شبکه‌ای از جاده‌های سراسری تشکیل‌داد که‌وسعت و اهمیت‌آن چندان بود که مدتها در شاهنشاهی ایران‌پایدار ماند. این‌جاده‌ها که‌دردرجهٔ اول برای‌امور اداری بکارمیرفت مرتباً ودقیقاً بازرسی ومراقبت میشد.البته مهمترین ارزش‌این جاده‌هااز نظر،موقعیت نظامی بود ولی‌بامرورزمان ارزش فروان اقتصادی وتجاری‌نیزیافتندبطوریکه بعدهاهمین‌جادها از معروفترین شاهراههای اقتصادی جهان محسوب شدند.

باوجود گذشت قرنها بازهم میتوان مسیر این جاده‌های بزرگ راتقریبا بطوردقیق رسم کرد یکی از مهمترین این راهها جاده معروف«شاهی»بود که از شوش شروع شده واز دجله عبور میکرد پس از گذشتن از آسیای‌صغیرو

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

حران دردامنه کوهستان زاگروس امتداد یافته به‌ساردس(سارد) رسیده واز آن نیز می‌گذشت وتا افسوس امتداد می‌یافت . طول این راه عظیم بیش از دوهزار وششصدوهشتاد کیلومتر بود و «...شامل صدویازده ایستگاه یامنزل بود که هریك با اسبهای تازه نفس یدکی بـرای پیکهای شاهی مجهز بود . بقول مورخان‌قدیم کاروانها نودروز ، طول‌میکشید تااین‌جاده را ازاول تاانتها طی کنند درصورتیکه پیکهای شاهی این‌راه‌را در یك هفته‌میپیمودند»[۲۱]

این گزارش‌بخوبی اهمیت دستگاه ارتباطی وخبرگیری‌داریوش‌رانشان میدهدزیرا به‌این‌ترتیب شاهنشاه‌هخامنشی‌در کوتاهترین مدت‌ممکن‌ازاوضاع دوردست‌ترین‌مناطق کشورخویش باخبرمیشد واین درنیای‌قدیم حائزاهمیت فراوان بود گذشته ازاین دستگاه منظم ، بفرمان داریوش گروهی‌مشعلداران در بلندیها وقلعه‌ها درفواصل معین درجاده‌ها بودند که اخباربسیارفوری و کوتاهرا با علائمی شبیه (الفبای مرس) بوسیله شعلهٔ‌آتش و دود بیکدیگر مخابره کرده در زمانی بسیار کوتاه بپـایتخت میرسانیدند .

دیگر از جاده‌های مهمی که درآنروزگار ساخته شد یکی جـاده بابل بود که از راه کرخمیش بمصر می‌پیوست و نیز راهی که از بابل وحلوان وبیستون گذشته‌به‌همدان‌می‌پیوست. علاوه براین شاهراههای‌بزرگ واسامی تقریباً اکثر شهرهای بزرگ و مهم کشور بوسیله یك شبکه وسیع خطوط ارتباطی و جـاده‌های درجه دوم بیکدیگر وصل میشد که از آن میان باید از جاده‌ای که شوش را به‌تخت جمشید متصل میساخت نام‌برد که در حوالی بهبهان بعضی قطعات سنگ‌فرش شده‌آن کشف گردیده است .

۲۱- ایران ازآغاز تااسلام - نوشته پروفسور - گیرشمن ص ۱۵۸

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

خشایارشا و ارتش .

خشایارشا که وارث‌همهٔ قدرت وشکوه حکومت هخامنشی شده وازتمام کوششها و زحمتهای کوروش و داریوش سود جسته بود میل شدیدی را که به‌جلال‌وعظمت‌پرستی داشت، درنظام تشکیلات ارتش خویش نیزاعمال کرد بدین‌ترتیب که در زمان او سپاه‌ایران‌به‌عظیمترین وبزرگترین نیروی‌نظامی که در سراسردنیای‌آن‌زمان‌نظیرنداشت تبدیل شد برای درك عظمت ارتش ایران و روش جنگی و نوع اسلحه و تجهیزات که قشون کشی خشایارشا را بیونان متذکرمیشویم . شاهنشاه ایران که پس‌از تردید و مشورتهای فراوان بالاخره تصمیم‌حمله به‌یونان راگرفته بود تا نامرادی پدرش را جبران کند بخوبی می‌دانست که بدون داشتن نیروی دریائی مجهزو کشتی‌های جنگنده کاری از پیش نخواهد برد[۲۲] بنابرین با کوشش و تلاش پی‌گیری توانست قویترین بحریه جهان‌آنروزگار را بوجودآورد .

لشگرعظیم‌خشایارشادارای‌بهترین‌مهندسین‌نظامی‌و نقشه کشان‌آنروزگار بود که درجنگهای این پادشاه‌کارهای حیرت‌انگیزی ازآنان سر زد . پلی‌را که این‌گروه مهندس از کشتی برروی تنگه دارد انل ساخت بی‌تردیکی از بزرگترین شاهکارهای‌نظامی ومهندسی جهان بشمار می‌رود. آنان۳٦۰فروند

۲۲ - البته دلایلی دردست‌است که‌داریوش کبیرنیز به تشکیل‌نیروی دریائی‌توجه‌تام داشته است. مثلا هرودوت‌تعداد کشتی‌های داریوش‌رادر لشکرکشی به یونان وجنگ‌ماراتن ٦۰۰ فروند نوشته وپیداست که این نیروی دریائی بس عظیم است ولی خشایارشا جدّاهم خود را مصروف تقویت نیروی دریائی ساخت زیرا میخواست بهر قیمت که شده آرزوی پدرش‌را که‌گوشمالی دادن یونانیها بود برآورد بهمین دلیل توانست عظیم ترین ناوگان جهان را بوجود آورد .

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

کشتی پنجاه پاروئی را در طرف دریای سیاه[۲۳] و ۳۱٤ کشتی دیگررا در دوسوی تنگه داردانل تنگه دارد انل بکمك لنگرهای بزرگ ووزین طوری ساکن نگه داشتند که درمقابل هجوم امواج وبادهای شدیدی که از جانب دریای سیاه می‌وزید مقاومت می کردند و این کشتی‌ها را باطناب بیکدیگر بستند «... طنابها را باماشینهای چوبی که درخشکی بود کشیدند واین دفعه طنابهائی که استعمال کرده بودند برخلاف دفعه اول ساده نبود ، (بلکه) طنابهای کتان را دوبدو و طنابهائی‌را که از پوست درخت بیبلوس(Byblos) ساخته بودند ، چهار بچهار تا بداده بودند طنابهای آخری ظریف و دارای یك‌پهنا بود ، ولی طنابهای کتان خیلی ضخیم مینمود ویك‌آرش‌آن یك‌تالان وزن داشت (حدود ۲۷ کیلو گرم) همینکه پل حاضر شد ، چوبهای بزرگی موافق عرض پل بریده یکی را پهلوی دیگری روی طنابها نهادند. بعد روی این چوبها را با تخته بی‌آنکه درزی پیدا شود ، فرش کردند وچون این کار هم انجام شدبراین تخته‌ها خاك ریخته پل را صاف و همواره داشتند. بعد از هرطرف پل، نرده‌هائی کشیدند ، تا اسبها از دیدن‌دریا نترسند .»[۲٤]

درجنگها برای برقراری نظم و یکنواختی معمولا سربازانی که از همه ولایات وساتراپیهای ایران‌آمده بودند در دو دسته عظیم سواره نظام وپیاده نظام تقسیم می‌شدند و این بمنظور یکنواخت‌ساختن ارتش‌انجام می گرفت . ولی گه‌هگاه بفرمان شاهنشاه سپاهیانی که از سرزمینهای مختلف ایران گرد می‌آمدند هریك‌خود مستقلا درواحدهائی مجزا و جداگانه قرارمی گرفتند وجنگاوران هرسرزمین‌لباس‌خاص خود را می‌پوشیدند وباسلاح ویژه‌خویش

۲۳ ـ ن . ك به ایران‌باستان پیرنیا ـ ذیل جنگ ایران و یونان .
۲٤ ـ همان کتاب ـ ص ۷۲۰

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

می‌جنگیدند . دراینصورت ارتش عظیم ایران به‌مجموعهٔ رنگارنگ وزیبائی تبدیل می‌شد که شکوه وجلال وهیبت خاصی داشت . یکی از عجیب‌ترین و بزرگترین اردو کشیهای جهان که با این تاکتیك صورت گرفت لشگر کشی خشایارشا به‌یونان بود . هنگامی که داریوش موفقیتی آنچنان که میل‌داشت درجنگ ما را تن بدست نیاورد تا دم مرگ بزرگترین آرزویش جبران‌این عدم پیروزی بود و پسرش خشایارشا پس‌از مدتها تردید و دو دلی ومشورت عازم جنگ با یونان شد متأسفانه منابع فارسی در مورد این اردو کشی بی‌نظیر وعظیم‌همگی‌سکوت کرده‌اندو آنچه‌برای ما بجا مانده‌فقط‌نوشته‌های یونانیان‌نظیر هرودوت و کتزیاس و گزنفون ودیودور و ژوستن و کرنلیوس نپوس‌وغیره‌است‌وپیداست که بعلت احساسات ملی ووطن پرستی‌نویسندگان آن‌نمی‌توان به‌این‌منابع‌اعتماد کرد. تقریباً کلیه‌آنان این‌جنگ‌رابزرگترین واقعهٔ تاریخ دانسته‌اند. البته واضح است که‌برای کشور کوچکی چون‌یونان این‌نبرد دارای اهمیت‌وارزش بوده است‌ولی برای شاهنشاهی ایران‌حادثه‌ای بسیار معمولی بنظرمی‌آمد باوجودآنکه ،چنانکه گذشت، به‌اکثر گفته‌های این مورخین نمیتوان اعتماد کرد[۲۵] ولی نوشته هرودوت بخصوص‌آنها که سپاهیان ایران را توصیف می کند برای نشان دادن نفرات وتجهیزات و سازمان‌بندی تشکیلات ارتش ایران در زمان خشایارشا بسیار قابل اهمیت و جالب توجه است . در این لشکر کشی سربازان ایران را اهالی ٤٧ ملیت مختلف که‌همگی‌تحت فرمان‌شاهنشاه ایران زندگی‌می کردند تشکیل‌میداد که هریك با لباس و اسلحه و روش جنگی خاص زادگاه خویش در این

۲۵- مثلا تمام مورخان‌بخصوص هرودوت بدلیل جانبداری از هموطنان خود در تعداد سپاهیان ایران در نبرد ماراتن وهم درجنگ خشایارشا بسیارغلو کرده‌اند

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

اردو کشی شرکت کرده بودند . از بسیاری نظرها این جنگ از پدیده‌های عجیب تاریخ دنیای کهن است اولا از نظرتعداد نفرات شاید تا زمان خویش بزرگترین لشکر کشی تاریخ جهان باشد. عدهٔ سپاهیان خشایارشا را مورخین بصورتهای مختلف ذکر کرده‌اند . هرودوت تعداد آنها را چنین ذکر کرده‌است (پیادگان ۱/۷۰۰/۰۰۰ نفر سواران ۱۰۰/۰۰۰ نفر، ملوانان وافراد نیروی دریائی ۵۱۰/۰۰۰ نفر وجمع کل آنها ۲/۳۱۰/۰۰۰ تن)[۲۶] . بطور قطع این رقم سخت اغراق آمیز است وچنانکه گذشت این مبالغه بیشتر بخاطر نشان دادن شجاعت وپایداری یونانیان واهمیت جنگ آنان بوده است زیرا وقتی درنظر بگیریم که این افراد با اسبان خویش به چه مقدار نفرات وقوای امدادی وخدمه ومسئولین تهیه آذوقه وغیره احتیاج دارند رقم سپاهیان خشایارشا تقریباً به حدود پنج میلیون نفر میرسد وحرکت این عده درجاده‌های قدیم وبادرنظر گرفتن امکان دنیای کهن از نظر حمل ونقل وخوراك سربازان و علیق اسبان وحتی کنترل و اداره سربازان و حفظ ارتباط بین نیروها عملا غیر ممکن می گردد .

ولی از آنجا که ایرانیان از عهد کورش به‌بعد به جلال و شکوه وتعداد نفرات ارتش خویش اهمیت فراوان می‌دادند وبویژه خشایارشا در این زمینه از همه اسلاف خویش تند رو تر بود وبا مقایسه کردن نوشته های سایر مورخین میتوان گفت که نفرات این سپاه بطور قطع بیش از ۸۰۰/۰۰۰ یایك میلیون نفر نبوده‌است واگر ملوانان وخدمتگذاران ومسئولین آذوقه وغیره را کسر کنیم درحدود چهارصد تا پانصد هزار نفر مرد جنگی باقی می‌ماند که در صفوف مختلف میجنگیدند وتدارك وتهیه وحرکت این تعداد نیرو

۲۶ـ «ایران درعهد باستان» ـ تالیف دکترمحمدجواد مشکور ـ ص ۲۱۷

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

نیز بی تردید بزرگترین لشگر کشی دنیای قدیم بوده است . بنا به نوشتهٔ هرودوت ترتیب تقسیم‌بندی حرکت این‌جنگجویان بشرح زیربوده‌است :

۱ – پارسی‌ها – که قلب‌سپاه را تشکیل میدادند زبده‌ترین وبرگزیده ترین وشجاعترین افراد این‌ارتش را تشکیل میدادند بخصوص کسه وجود تعداد ده‌هزارنفری سپاه جاویدان به‌این گروه شکوهی فوق‌العاده می‌بخشید لباس آنـان بدین‌ترتیب بود « کلاه‌نمدین که خوب مالیده‌وآنرا تیاله می‌گفتند برسر ، قبائی آستین‌دار رنگارنگ دربر ، زرهی که حلقه‌های‌آهنین آن به فلسهای ماهی‌شباهت داشت‌برتن،شلواری از چرم که ساقهارامیپوشیده درپا داشتند ....»

اسلحه آنان را سپری سبك کـه آنرا از ترکه‌هـای بید بـافته بودند . ترکشی پراز تیرهائی که از نوعی‌نی مخصوص ساخته‌شده ونوك آنهابه‌پولاد آبدیده وتیزی مسلح بود ، کمان بلند وزوبینهای کوتاهی که همواره‌آنرا در دست داشتندو قمه‌ای کوتاه که آنرا از سمت راست کمربند خویش می آویختند ، تشکیل میداد « سپاهیان پارسی را اتانس[۲۷] همسرآمس‌تریس[۲۸] زن‌خشایارشا فرمان‌میداد »

۲ – مادیها – ازآنجاکه اقوام ماد و پارس در اصل از یك ریشه و بـا یکدیگر برادربودند آداب و رسوم وپوشش و سلیح آنـان شبیه یکدیگر بود و در حقیقت اسلحه پارسیها که وصف‌آن آمد اسلحهٔ خاصی بوده است «فرمانده مادیها تیگران هخامنشی بود . »

27 — Otaness
28 — Amestris

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

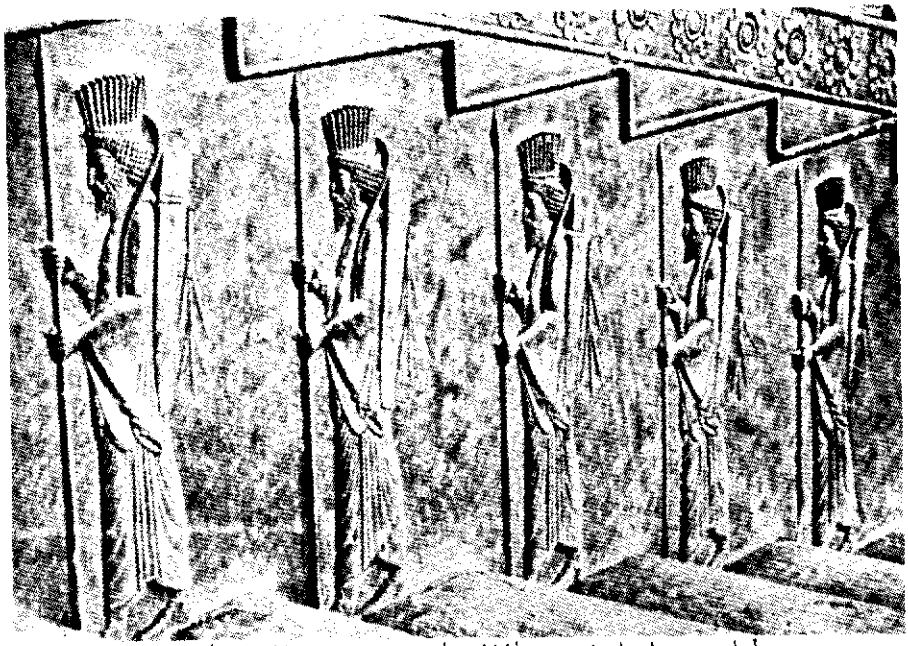

لباس و اسلحه سربازان پارسی در دوران هخامنشی

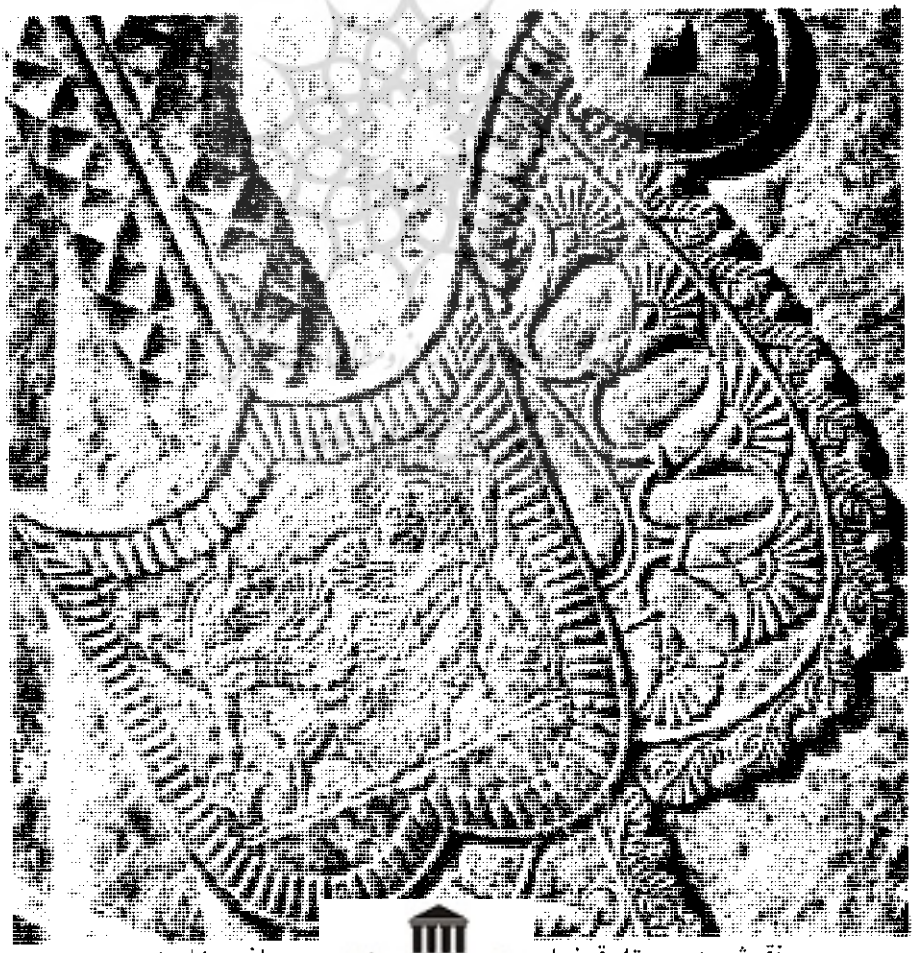

نقوش برجسته قبضه دوران هخامنشی

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

۳ ـ کیس‌سی‌ها که‌همان اقوام قدیمی واصیل ساکن فلات ایران‌بودندو سلیح ولباس آنـان نیزکاملا شبیه به پارسی‌ها ومـادیها بود بایـن تفاوت که بجای کلاه تیار مخصوص پارسی ها ، کلاه بلند ونوك تیز مخصوصی به سر مـی‌گذاشتند که خود آنـرا میتر[۲۹] می نامیدند . فرماندهی آنان بعهده «آمافس[۳۰] فرزند اتانس[۳۱] بود» . هیرکانیها (ساکنان‌دشت گرگان وشمال خراسان) نیز با همان اسلحه وپوشش دراین واحدآرایش داده شده بودند وفرماندهی‌آنان با مگاپان[۳۲] بود .

٤ ـ آسوریها ـ خودی بسیار زیبا و مخصوص بخـود داشتند کـه آنرا بطرزبسیارعجیب‌وزیبائی‌ازسیم‌های‌مسین‌بافته‌بودند ومسلح‌به‌سپر ،نیزه‌وقمه، علاوه‌برآن، گرزخاصی‌داشتند که‌میخهای‌زیادی‌برروی‌آن‌می کوبیدند. لباس آنان را نیزپیراهنی سراسری‌از کتان‌بافته‌تشکیل‌میداد که‌برروی‌آن‌جوشنی می‌پوشیدند . کلدانیها نیز بـا همین هیئت در گروه آسوریهاقرارداشتندو «فرمانده هر دو (دسته) اوتاسپس[۳۳] پسر آرتاچه[۳٤] بود » .

٥ ـ باختریها که به کلاه خودی شبیه به خود پارسیها و کمانی محکم وپیکانهای کوتاه مسلح‌بودند .

٦ ـ ساك‌ها (سیکت‌ها و یا سکاها) کلاههای بلندنمدین ونوك تیزبرسر می گذاشتند وشلواری رنگین بپا می کردند . سلاح اصلی آنان را کمان

29 — Mitre
30 — Amaphes
31 — Otaness
32 — Megapan
33 — Otaspes
34 — Artache

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

مخصوص بومی وقمه‌های کوتاه وبسیار تیز وتبرزین برنده وهولناکی بنام ساگاریس[۳۵] تشکیل میدادفرمانده‌هردو گروه باختریهاوسکاها «هیستاسپ[۳۶] پسرداریوش از آتادختر کورش‌بود».

۷ ـ هندی‌ها که ملبس به لباسی ازپنبه‌بودند و کمانی از نی وتیرهائی نیز ازهمان جنس که‌نوك آنها با فولاد آبدیده مجهز بود و شمشیری‌بسیار محکم وبرنده وزیبا داشتند (اصولا هندیها در فولادسازی بسیار متخصص بودند وتیغ هندی تا همین اواخر نیز معروف‌بود) «رئیس‌آنهاقاپ‌نازاتر[۳۷] پسر ارته‌بات[۳۸] بود.»

۸ ـ آریائیها (هراتیها) که کمانی پارسی داشتند وسایر سلیح آنهاشبیه به باختری‌ها بود و «رئیس آنان را سی‌سامنس[۳۹] پسر هی داپ‌نس[۴۰]می ـ نامیدند.» البته پارتیها، خوارزمیها، سغدیها، گنداریها، ودادی کس ها نیز تقریباً باهمان تجهیزات وپوششها دراین گروه قرار داشتند.

۹ ـ کاسپیائیها ـ که بر روی لباس خویش جلیقه‌ای زیبا از پوست بز می پوشیدند و بتیر و کمانی از نی و قمه ای کوتاه و پهن مسلح بودند. «رئیس‌آنها آریومرد[۴۱] برادر آرتی‌فیوس[۴۲] بود».

۱۰ ـ سرنگی‌ها (ساکنین زرنگ یا زرنج یا سیستان) که‌دارای لباس

35 — Sagaris
36 — Histaspes
37 — Phapnazatres
38 — Artabate
39 — Sisamnes
40 — Hidapnes
41 — Ariomarde
42 — Artepheuse

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

بسیار زیبا و رنگارنگ بودند و نیم چکمه ای از چرم گاو که تا به زانو میرسید در پای داشتند و کمان و تیر وزوبینی چون مادیها داشتند فرمانده آنان «فرن‌دات[٤٣] پسر مگاممیز (بغابوخش) بود».

۱۱ - پاکتیك‌ها لباسی به فرم بوه‌ی از پوست بز دربر داشتند و به تیر و کمان و قمه مسلح بودند. «فرمانده اینها را آرتینت[٤٤] پسر ایتامتر[٤٥] می‌نامیدند.»

۱۲ - اوتیان و میسین و پاریکانین[٤٦] که ساکنان نواحی جنوب غربی ایران (بلوچستان و پاکستان) بودند وآنان نیز مانند پاکتیک‌ها آرایش داشتند و فرمانده آنان آرسامنس[٤٧] پسر داریوش بود.

۱۳ - اعراب که عبائی می پوشیدند و بر روی آن کمربندی چرمین می‌بستند، آنان کمانهای بسیار بلندی داشتند که آنرا از شانه راست خویش می‌آویختند وبعلت‌بلندی بطرف چپ کشیده می‌شد.

۱٤- حبشی‌ها که ملبس به لباسهائی ازپوست حیوانات وحشی بخصوص شیر و پلنگ بودند، کمانهائی بسیاربلند ازشاخه‌های نخل که طول آن در حدود چهار گزبود داشتند وتیرهائی بلند ازنی‌میساختند. نوك این تیرهارا بجای پولاد یاآهن ازسنگ نوك تیزی مجهزمیکردند، زوبین‌هائی بلند که نوك آنها به شاخ تیز شدهٔ غزال منتهی میشد، داشتند و گرزی سنگین که آنرا میخ کوبی می کردندنیزحمل میکردند«ایشان وقتی که بجنگ‌می‌روند، قبل‌ازجدال نیمی‌ازتن‌خود را گچ میمالند ونیم دیگررا ورمیلون[٤٨] فرمانده اعراب وحبشیهای ساکن شمال مصرآرسام پسرداریوش ازآرتس تن دختر کورش بود.»

43 — Phrendate
44 — Artynte
45 — Ithamatre
46 — Paricaniens-utiens-myciens
47 — Arsamenes
48— Vermillon(ترکیبی ازگوگردو جیوه)

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

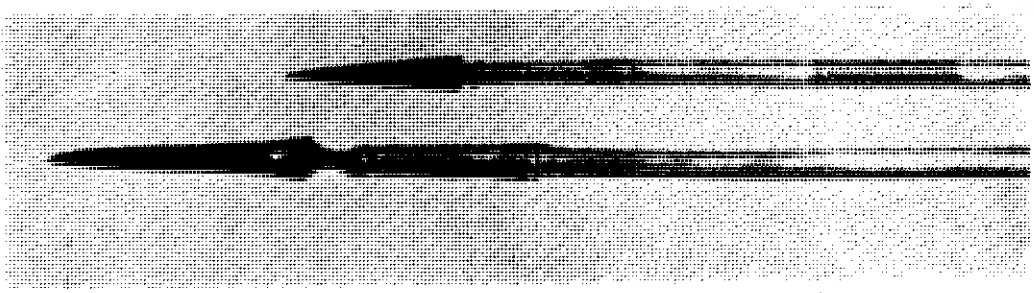

نمونه ای از نیزه و زوبین در دورهٔ هخامنشی (تصویر از کتاب زین ابزار ـ استاد پورداود)

شمشیر و کنده‌کار: [illegible] هخامنشی

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

۱۵- حبشیهای شرقی که درصفوف هندیها قرار داشتند و اسلحه آنان نیز شبیه به هندیها بود فقط بجای خود کلاهی پوستی برسرمیگذاشتند که ازپیشانی اسب با گوشها ویال کنده شده بود. گوشهای اسب راست می‌ایستاد ویال اسب جای پرهای خودرا میگرفت وبه آنان هیبتی‌ترسناك می‌بخشید. برای دفاع نیزسپرهائی ازپوست درنا داشتند.

۱٦- لیبی‌ها که لباس ازپوست حیوانات دربر کرده ونیزه‌هائی داشتند که انتهای آنرا می‌سوزاندند «رئیس آنها ماساگس[۴۹] پسر آریز[۵۰] بود».

چنانکه گذشت خشایارشا میدانست که بجنگ دولتی دریانورد میرود زیرا ساکنین اصلی یونان را بیشترساحل نشینان وجزیره نشینان مدیترانه تشکیل میدادندواز دیرباز بعلل جغرافیائی بادریاوخوی وخصایص آن نیك آشنابودند وازمدتها پیش، بعلت نیازطبیعی، قایق‌های خویش‌را بسینهٔ پهناور دریا میانداختند. گذشته ازهمهٔ اینها جنگ ماراتن وسارم موفقیت داریوش امپراطور نیرومند هخامنشی برای خشایارشا سندی بس بزرگ و تجربه‌ای گرانبها بود زیرا ضعف نیروی دریائی بزرگترین عامل شکست داریوش محسوب میشد. بهمین دلیل شاهنشاه ایران داشتن بحریه‌ای نیرومند را بزرگترین وقوی‌ترین ضامن پیروزی خویش بحساب می‌آورد وبخوبی آگاه بود که لشگر کشی به یونان بدون اتکاء به نیروی نیرومند دریائی بیهوده وغیرممکن‌است بهمین دلایل وی درآغازحکومت، هم خویش‌را مصروف‌تهیهٔ کشتی‌های جنگی وملوانان‌آزموده نمود.

وسعت کشورهای تابع شاهنشاهی وتنوع آنها این امررا آسان مینمود زیرا گروهی ازچابکترین وزبده‌ترین دریانوردان دنیای آن روزگار چون فینیقی‌ها ومصری‌ها تحت تسلط ایران میزیستند وحاضر بودند که در این لشگر کشی سهمی‌قابل توجه داشته باشند.

49— Massages
50— Oarize

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhem

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

اساسی ترین و مهمترین قسمت نیروی دریائی شاهنشاهی را مصریها تشکیل میدادند، آنان بادویست کشتی‌سه ردیفی کـه هریك غول شنـاور و جنگنده‌ای را بخاطرمی‌آورد درپیشاپیش‌خط حملهٔ ایران قرارداشته ومانند لباس ملوانان مصری را « زرهی سراسری، شمشیری‌دراز، کلاه خودی بافته، سپر گودشده بالبهٔ پهن، نیزهٔ خاصی که فراخورجنگ دریائی سـاخته شده بود وزوبین سیخ دار وبزرگ تشکیل میداد»[۵۱]

فنیقی‌ها، آناتولی‌ها ویونانیهای تابع ایران نیز با کشتیهای سه ردیفی‌تقریباً شبیه ناوهای مصری خود به‌ناوگان‌بزرگ پیوسته بودند که مجموعاً تعداد آنها به‌یکهزار و دویست کشتی بزرگ جنگی میرسید علاوه بر این تعـداد کثیری کشتیهای نسبتاً کوچك وتندرو که در حدود سی تا پنجاه پارو زن داشتند ونیز گروه کثیری کشتیهای باربر،برای حمل سرباز وآذوقه واسب که جمع آنها درحدود سه هزار فروند میشده در این نیروی دریائی عظیم شرکت داشتند.

فرماندهی این نیروی بزرگ را خشایارشا به چهار دریا سالار مـورد اعتماد خودش سپرده بود- «اکمنس برای مصریها،آریا بیگنس پسرداریوش ودخترگبریاسس (گویریاس) برای یونان و پرکساس پس فرزندآسپاتینس ومگاباز پسرمگابات برای بقیهٔ نیروی دریائی» [۵۲]

این نیروی عظیم زمینی و دریائی باترتیب وشکوه خاصی بسوی یونان حرکت کرد اومستد حرکت‌آنراچنین توصیف‌میکند» ...این‌سپاه‌بزرگ‌از میان کشورهاآرام براه افتاد ، نخست‌کاروان باروبنه میرفت و درپی‌آن‌نیمی ازتیپ‌های پیاده روانه می‌شدند. پس ازفاصله‌ای هزارسوار برگزیده و سپس هزار پیاده برگزیده می‌آمدند که نیزه های سرپائینشان با زیورهای زرین

۵۱- تاریخ‌شاهنشاهی‌هخامنشی- نوشته-۱- ت،اومستد - ترجمه دکتر محمدمقدم-ص۳۳۰

۵۲ - تاریخ شاهنشاهی هخامنشی تألیف او مستندص ۳۳۳ ونیزنگاه کشیدبه تاریخ‌هرودوت ذیل قوای بحریه خشایارشا ونیز تاریخ ایران باستان مشیرالدوله‌ص۷٤۲

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir

PDF.Tarikhema.ir (Historical e-Books)

انارمانند بازشناخته می‌شد . پشت سرآنها ده مادیان‌را که در دشت « نسا » درمادیار آمده بودند، میآوردند. هشت‌اسب‌سفید گردونهٔ مقدس اهورامزدارا می کشیدند. گردونه ران خود پیاده میرفت بعد گردونهٔ خشایارشا (نمایندهٔ اورمزد در زمین) بااسب‌های نسائی حرکت میکردپس‌ازآن یك هنگ‌دیگر مرکب از هزار پیاده برگزیده و هزار سوار برگزیدهٔ دیگر با نیزه های سر بالاکه به‌زیورهای زرین انار مانند مزین بود، حرکت میکردند. سپس ده هزارنفرسپاهیان‌جاویدان بانیزه‌های زرین‌وسیمین‌وپس ازآنها نیمهٔ‌دیگر لشگرحرکت میکرد. »

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

خشایارشا باچنین قدرتی شهرهای یونان‌را یکی پس‌ازدیگری فاتحانه می گشود وحتی بیشتر این پیروزیها ، بدون برخورد نظامی بدست میآمد زیرا اهالی شهرهای یونان بادیدن چنان ارتش شگفت انگیزی از ترس سر اطاعت فرود میآوردند وتسلیم می‌شدند. اهالی آتن وحشت زده رسولانی بهرسو برای درخواست کمك فرستادندو کوشیدند که‌سپاهی حتی‌المقدور کافی وجنگنده فراهم‌آورند. وجود اسپارتهای مبارزدر صفوف‌یونانیان وزنهٔ سنگینی بحساب میآمدند .

تنگهٔ ترموپیل بامدافعان اسپارتی خود بفرماندهی‌لئونیداس جنگجوی دلیر وبزرگ، برگ‌برندهٔ یونانیان بود. آنان امیدواربودند که بعلت‌تنگی معبر،خشایارشاه نتواند از کثرت نفرات خویش که بزرگترین برتری‌سپاه ایران‌بحساب می‌آمد، استفاده کنند وازآن گذشته قادرنباشد سواره نظام وپیاده نظام خویش را مشترکاً بکار برد جنگی که‌یونانیان‌آنرا بزرگترین حادثهٔ تاریخ جهان به حساب آورده اند ولی از طرف مورخین ایرانی ، بسیارمعمولی‌وباسکوت برگزار شده‌و در هرحال تأثیری عظیم در اوضاع اجتماعی دنیای کهن داشته است بدین ترتیب‌آغاز گشت . بررسی چگونگی این نبرد ونتایج‌آن خود به‌زمان کافی نیاز دارد و امیداست درآینده این فرصت‌بدست آید.

PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir PDF.Tarikhema.ir